

# قهوه‌ای‌ها، جور و اجورند



من خیلی کاکائو دوست دارم.  
هر چیزی را هم که با کاکائو درست شود،  
دوست دارم.  
رنگ کاکائو، قهوه‌ای است.

من و دوستم موهای قهوه‌ای داریم.  
موهای من، قندقی است.  
دوستم موهای خرمایی دارد.



بیش تر درخت‌ها، تنه‌ی قهوه‌ای دارند.  
به آن قهوه‌ای، **گردویی** می‌گوییم.

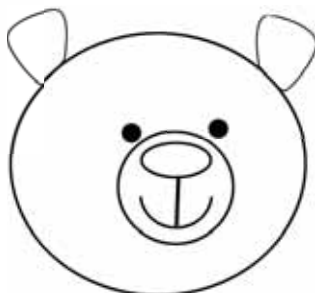
انگشتر بابزرگ، یک نگین قهوه‌ای دارد.  
اسم آن نگین، عقیق است.  
اسم رنگش هم **عنّابی** است.  
عنّابی، یک جور قهوه‌ای است که کمی قرمزی دارد.



قهوه‌ای را می‌شود با قاطی کردن  
سبز و قرمز درست کرد.



توی کاکائو، شیر می‌ریزم.  
قهوه‌ای با سفید، قاطی می‌شود.  
آن وقت، رنگ نسکافه‌ای درست می‌شود!



این خرس را، با دو جور  
قهوه‌ای رنگ کن.  
برایش دست و پا هم بکش.